

متن سخنرانی حضرت آیت الله رضوانی

عضو محترم فقهای شورای نگهبان

بسم الله الرحمن الرحيم
اعوذ بالله من الشيطان اللعين الرجيم

«الدين ياكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربا واحل الله البيع وحرم الربا».

رباخوار به مضمون همین آیه شریفه می پندارد بیع و ربا یکسان است، بیع هم مثل ریاست او کاری ندارد به اینکه این سود چطور بدست می آید؟ می گوید من پول می دهم سود می گیرم، خرید و فروش می کنم سود می گیرم، اینها فرقی باهم ندارد لکن خداوند متان می فرماید که: خیر، «احل الله البيع» خداوند بیع را حلال کرده است چون مصالح جامعه بر آن متکی است و ربا را حرام کرده است چون مفسده بر آن بار است. حالا در این رابطه، من به دو جهت اشاره می کنم یکی قرض در موارد هزینه و مصرف، یکی هم قرض در موارد سرمایه گذاری و سود. در مسأله قرض، در موارد هزینه و مصرف، اگر یک جامعه ای نظامش اینطور باشد که غنی و فقیر هنگامی که برای تهیه مواد مصرفی لازم مراجعه می کنند، به فقیر گرانتر و به غنی ارزانتر دهند، این نظام، این جامعه، قابل پایداری نیست که فقیر و غنی مراجعه می کنند برای خرید، به غنی که ثروتمند است ارزانتر بدهند و به فقیر گرانتر. نتیجتاً ربا برگشت به همین امر می کند. اگر چنانچه شخصی پول برای مداوا و درمان می خواهد و ندارد و مراجعه می کند و تهیه می کند با قرض، قرض دهنده از او سود می خواهد، خوب این شخص صدهزار تومانی را که می خواهد مصرف درمان کند، به سود عادلانه که حساب کنیم صد و ده هزار تومان برای درمان مصرف می کند، و آن کسی که از خودش پول دارد، صد هزار تومان برای درمان

مصرف می‌کند، در نتیجه ربا به این جا برگشت دارد که فقیر با فقری که دارد، با ناتوانایی که دارد، برخلاف غنی باید در ازای مصرف، پول بیشتری بدهد و این مفسده ربا در قرض است یعنی در جایی که سزاوار این است که فقیر حالش مراعات شود و کمتر از او گرفته شود، برخلاف بیشتر از او می‌گیرند. و اما قرض در مرحله سرمایه‌گذاری، در آنجا هم با یک مقایسه بین دو نفر که یکی از خودش سرمایه دارد و سرمایه‌گذاری می‌کند و یکی نیاز دارد به پول و از دیگری می‌گیرد، اگر بنا شود به اینکه آن کسی که پول از دیگری می‌گیرد در قبال این قرض بهره‌ای بدهد، قیمت تمام شده کالا برای او گرانتر تمام می‌شود تا کسی که پول از ناحیه خود اوست. قیمت تمام شده کالا برای این شخص ارزانتر می‌شود، آنوقت دو قیمت تمام شده در یک جامعه مطرح می‌شود اگر کالا با شرایط مساوی در یک جامعه دو قیمت مختلف داشته باشد این صحیح نیست. نتیجه این خواهد بود آن کسی که سرمایه از خودش بوده چون قیمت تمام شده برای او کمتر است از آن کسی که سرمایه از خودش نبوده است، سود بیشتری بگیرد. البته منظور این نیست که سرمایه را آنطور که بعضی آقایان بسته و گریخته از کلماتشان، مقالاتشان و گفته‌هایشان برمی‌آید، دولت بایستی مجانی تهیه کند و بدهد برای اینکه به قیمت تمام شده افزوده نشود، خیر، نظام بانکداری اسلامی با همین ملاحظه آمده است که خواسته‌ی سرمایه‌گذار، یعنی کسی را که پول می‌دهد به بانک از سود حاصله تامین کند نه اینکه بر قیمت تمام شده جنس تولید شده اضافه شود. خیر، قیمت جنس تهیه شده، در جمیع مواردش، چه پول از صاحب تولید باشد، چه از دیگری بگیرد یک قیمت است. نبایستی توقع داشت که سود حاصل در آن جایی که سرمایه از دیگری است، هم‌اشار به شخص عامل داده شود، در اینجا مثل این است که کسی شریک داشته باشد و اگر دو نفر شریک فعالیت اقتصادی داشته باشند و استفاده‌ای ببرند، این عدل نیست که یکی از این دو، سود را ببرد. سود باید مال هر دو باشد. بنابراین نظام موجود بانکی با بررسی‌ها و کارشناسایی‌هایی که شده است، من نمی‌دانم چند ساعت کار گروهی برده تا اینکه این نظام به تصویب رسیده و به اجرا درآمده است با این خصوصیتی که دارد عرض می‌کنم که این مولود جدید را، این مولود تازه را در دنیا، شما آقایان موظف هستید پرورش دهید. کار آقایان و کارشناسانی که آنرا تصویب کرده‌اند گذشته است، دیگر بدست شما آقایان، امانت داده شده است برای اینکه آن را به وجه صحیح عمل کنید و بدانید که اگر خدای نخواسته این قانون در بانکها آنطور که باید و شاید عمل نشود از بانک ربوی فسادش بیشتر است یعنی از نظر حکم شرعی فسادش بدتر است. در نظام بانکداری اسلامی چون عقود شرعیست، به مضمون «انما العقود تابعه للقصود»، اگر کسی مراجعه می‌کند به بنگاهی و منزلی را می‌خواهد بگیرد ولی نمی‌داند که می‌خواهد اجاره کند یا بخرد نه قصد خرید دارد و نه قصد اجاره، تصرف در این خانه حرام است، پولی را هم که آن بنگاه می‌گیرد حرام است چون قصد در عقود باید باشد. به همین گونه، اگر چنانچه مشتری مراجعه می‌کند به بانک و مشتری

نمی‌داند که این پول را تحت چه عنوانی می‌گیرد، آنوقت می‌گوید فرقی با نظام سابق نکرده است همانطور که می‌گفتند: «انما البيع مثل الربا»، از نظر او، اگر اینطور باشد، به بانک مراجعه کند و بانک به چنین شخصی پول دهد اصلاً، عقدی انجام نشده است و هرچه فعالیت‌های اقتصادی روی این مسأله انجام شود حرام اندر حرام است. بنابراین من از آقایان تقاضا دارم که سعی بفرمایند به هر نحوی که ممکن است همانطور که جناب آقای نوربخش هم فرمودند و تاکید کردند مخصوصاً به مشتریانی که می‌خواهند پول از بانک بگیرند به آنها شرایط و خصوصیات قرارداد تفهیم شود، و البته اشخاصی که مجری این کار هستند اساس کارشان روی ایمان و عقیده باید باشد یعنی اشخاصی باید باشند متعهد به این کار، واقعاً از نظر نظام بانکی عقیده‌مند باشند به این نظام، به این اساس و هیچ چیزی آنها را از عمل به این مصوبات باز ندارد. بنابراین سفارش موکد من، باز همین است که یک جایی باشد، یک تاسیساتی باشد که مشتری که مراجعه می‌کند برای گرفتن پول به او تفهیم کند که چکار دارد می‌کند و برای چه پول می‌گیرد و خصوصیاتش چگونه است که انشاءاله خداوند از همه ما راضی شود.

وصلی‌الله علی محمد و آل محمد